



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

«چارچوب شایستگی‌های پایه و عمومی نظام تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران»

اردیبهشت ۱۴۰۳

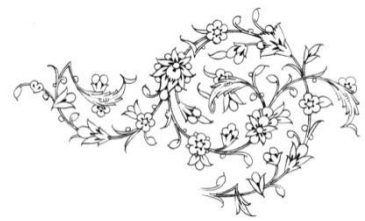
مصوب شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی

آموزشی

(ویرایش ۱.۸۶)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست

- ۱ درآمد: «شایستگی‌های پایه» چیستند و چرا پرداختن به آنها ضرورت دارد؟.....
- ۲ نسبت «شایستگی‌های پایه» با اسناد بالادستی.....
- ۳ منابع مورد استفاده.....
- ۴ فرآیند تدوین.....
- ۷ نقش و جایگاه در نظام تربیت رسمی عمومی.....
- ۹ ملاحظات ضروری.....
- ۱۳ شایستگی‌ها، خرده‌شایستگی‌ها و توصیف‌گرها.....

درآمد: «شایستگی‌های پایه» چیستند و چرا پرداختن به آنها ضرورت دارد؟

در اسناد بالادستی نظام تربیتی جمهوری اسلامی ایران، شایستگی‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. در مبانی نظری تحول بنیادین ۳۵۳ بار از واژه شایستگی و شایسته استفاده شده است. در این سند، شایستگی‌ها عبارتند از مجموعه‌ای ترکیبی از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه‌های هویت، که متریان در جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل فردی و جمعی برای بهبود مستمر آن بر اساس نظام معیار اسلامی، باید آنها را «کسب» کنند (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸). در بخش دیگری از مبانی نظری، درباره‌ی شایستگی‌های پایه این‌گونه آمده است:

«شایستگی‌های پایه‌ی مورد نظر، آن دسته از صفات، توانمندیها و مهارتهاست که همه‌ی افراد جامعه باید آنها را کسب کنند تا برای زندگی مطلوب و با کیفیت (بر اساس نظام معیار اسلامی) در برهه‌ی تاریخی و روند تکاملی و استعلایی متناسب با عصر خود آمادگی لازم را پیدا کنند. اگرچه چهارچوب این شایستگی‌ها در قالب اهداف ساحت‌های تربیت به صورت کلی و عام تعریف می‌شود، اما مصادیق آن متناسب با شرایط زندگی در هر عصر و زمانی تعیین می‌شود؛ یعنی نمی‌توان یک بار و برای همیشه آنها را تعیین کرد و تعیین آن، موضوعی زمانمند و وابسته به موقعیت و شرایط اجتماعی است. زیرا تحولات سریع عصر حاضر، بیانگر آن است که تعیین دقیق مصادیق این شایستگی‌ها برای همیشه امکان ندارد و این ضرورتی انکارناپذیر است.» (همان، ص ۲۳۷) ... شایستگی‌های پایه‌ی مطلوب و تعریف مرتبه‌ی قابل قبول و حد نصاب هر یک از آنها توسط بالاترین مرجع سیاست‌گذار جریان تربیت در سطح ملی، در بازه‌های زمانی دراز مدت (ده یا بیست ساله)، با توجه به ملاک‌های ذیل، تعیین خواهد شد:

- تناسب با غایت و اهداف تربیت و به تبع آن با غایت و هدف کلی تربیت؛
- قابلیت تحقق؛
- تناسب با شرایط و نیازهای کشور و چشم‌انداز توسعه بر اساس مطالعات آینده‌نگر؛
- تناسب با ویژگی‌ها و مراحل رشد و خصوصیات مشترک جنسی/جنسیتی متریان بر اساس نتایج پژوهش‌های علمی؛
- تناسب با اصول و رویکردهای مربوط به ساحت‌های شش‌گانه تربیت بر اساس نظام معیار اسلامی» (همان، ص. ۲۷۰).

بر اساس بیان فوق (و دیگر بیانهای مشابه آن)، می‌توان گفت نخستین جهت ضرورت پرداختن به شایستگی‌های پایه در نظام تربیت رسمی عمومی آن است که یکی از مهم‌ترین اهداف نظام آموزش رسمی عمومی، آماده کردن متریان برای زندگی شایسته‌ی فردی و اجتماعی در تمامی ساحت‌های تربیت (و نه

صرفاً آموزش مجموعه‌ای از رشته‌های علمی یا موضوعات درسی) است. افزون بر آن، دومین دلیل اهمیت پرداختن به شایستگی‌های مشترک آن است که می‌توان تعدد و تکثر رشته‌ها و عناوین درسی را بر بستر آنها به سمت انسجام و یکپارچگی بیشتر سوق داد.

شایستگی‌های پایه حداقل دو ویژگی اساسی دارند که به عنوان مهم‌ترین معیار برای تشخیص یک ویژگی، صفت، منش یا مهارت برای اندراج در چارچوب شایستگی‌ها در نظر گرفته شده‌اند:

(۱) برخورداری دانش‌آموز از آنها برای زندگی فردی، جمعی و اجتماعی در زمانه‌ی کنونی، ضرورت یا اهمیت قابل توجه داشته و پرداختن به آنها، از وظایف نظام آموزش رسمی عمومی است.

(۲) اختصاص به یک حوزه‌ی تربیت و یادگیری ندارند، بلکه تمام حوزه‌ها می‌توانند حامل آنها باشند / به آنها بپردازند.^۱

با توجه به آنچه گذشت، تدوین چارچوب شایستگی‌های پایه و عمومی در دستور کار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قرار گرفت.

نسبت «شایستگی‌های پایه» با اسناد بالادستی

اصل انگاره‌ی «شایستگی‌های پایه و عمومی» و ضرورت پرداختن به آن در اسناد بالادستی خصوصاً «مبانی نظری تحول بنیادین» و «سند برنامه درسی ملی مورد توجه بوده است.^۲ همان‌گونه که در «مبانی نظری ...» گذشت، شایستگی‌های پایه متناسب با شرایط عصر و زمان تعیین شده و وابسته به شرایط و موقعیت هستند. به همین خاطر، هرچند چارچوب مورد استفاده برای تدوین این چارچوب، از اسناد برگرفته شده و ویژگی‌های دانش‌آموز مطلوب که در اسناد مختلف (مبانی نظری، سند تحول، سند برنامه درسی ملی، اهداف دوره‌های تحصیلی و سیاست‌های کلی تحول در آموزش و پرورش) آمده، یکی از مهم‌ترین منابع تدوین این شایستگی‌ها بوده است، ولی منابع این چارچوب محدود به این موارد نیستند. از این رو، می‌توان گفت این

^۱ - البته نسبت به این ویژگی، به دو نکته باید توجه داشت: نخست آن‌که تمام حوزه‌های یازده‌گانه تربیت و یادگیری و به طور کلی، مرزبندی میان آنها، صرفاً بر اساس معیارهای علمی-رشته‌ای صورت نگرفته و برخی از این حوزه‌ها (همانند حوزه‌های «آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده»، «سلامت و تربیت بدنی» «فرهنگ و هنر» و «حکمت و معارف اسلامی» ابعاد فراحوزه‌ای قابل توجهی دارند. دوم آن‌که، ویژگی فوق به این معنا نیست که نسبت شایستگی‌های مشترک با تمامی حوزه‌ها، یکسان و برابر است، بلکه برخی از شایستگی‌ها ارتباط تنگاتنگ‌تری با بعضی از حوزه‌ها دارند یا اساساً خاستگاه آنها، یک حوزه‌ی تربیت و یادگیری مشخص است، ولی از آن رو که به سطحی پایه‌ای و اساسی از یک ویژگی یا توانمندی یا مهارت می‌پردازند که مورد نیاز متری است، باید به صورت فراحوزه‌ای مورد توجه قرار گیرند.

^۲ - معمولاً در این اسناد از تعبیر «شایستگی‌های پایه» برای اشاره به این ویژگی‌ها استفاده شده است.

چارچوب در امتداد اسناد بالادستی قرار داشته و در تدوین آن، ضمن تأمین انتظارات مطرح شده در این اسناد، سعی شده:

(الف) انسجام و باهم‌نگری بیشتری میان مطالبات اسناد بالادستی نسبت به توانمندی‌های مورد نیاز دانش‌آموز برای زندگی شایسته (و نه صرفاً یادگیری و پیشرفت تحصیلی) برقرار شود.

(ب) آنچه در این اسناد در قالب مفاهیم و گزاره‌های کلی با قابلیت تفاسیر متعدد آمده، به صورت شفاف و عینی و در قالب گزاره‌های تفصیلی و بسط یافته، با در نظر گرفتن توان واقعی دانش‌آموز و سطح قابل دستیابی توسط او ارائه شود. در این جهت، «شایستگی‌های پایه» در «سند برنامه درسی ملی»، «ساحت‌های تربیت» در «مبانی نظری...» و مفاهیم و مهارت‌های فراحوزه‌ای در «اهداف دوره‌های تحصیلی» و تأمین مضامین اساسی مورد تأکید آنها، به صورت ویژه مورد عنایت قرار گرفته است.

(ج) نیازهای عصری دانش‌آموز (و تحولات فرهنگی و اجتماعی روز) مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

منابع مورد استفاده

مهم‌ترین منابعی که در تدوین چارچوب شایستگی‌ها از آنها استفاده شده، عبارتند از:

اسناد تحولی (به‌ویژه بخش‌های مرتبط با ویژگی‌های تربیتی مطلوب) شامل:

- مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
- برنامه درسی ملی
- اهداف دوره‌های تحصیلی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران
- زیرنظام برنامه درسی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی

بیانات مقام معظم رهبری شامل:

- سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش (ابلاغی مقام معظم رهبری)
- متن سخنرانی‌های قابل دسترس که در آنها به اوصاف و خصوصیات دانش‌آموز مطلوب یا ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی که کسب یا تقویت آنها در دانش‌آموزان مطلوب است، پرداخته شده است؛
- بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی
- تحلیل موردی بیانات در دو محور: «هویت اسلامی-ایرانی» و «هویت انقلابی»

یافته‌های پژوهشی شامل:

- پژوهش‌های تطبیقی درباره‌ی شایستگی‌های پایه در جهان، شامل: چارچوب‌های شایستگی تدوین شده در هفت کشور و همچنین چارچوب‌های تهیه شده توسط ۱۰ مؤسسه و شرکت بین‌المللی-فراملیتی^۳؛
- پژوهش «نیازسنجی تربیتی دوره تربیت رسمی و عمومی مبتنی بر مرور نظام‌مند مطالعات پیشین» (انجام شده در سال ۱۴۰۱)
- پژوهش «شناسایی شایستگی‌های دانش‌آموزان در عصر پسا کرونا مبتنی بر مرور نظام‌مند مطالعات پیشین»
- پژوهش‌های موضوعی مرتبط با محورهای تخصصی ذیل هر شایستگی

سوابق موجود در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی شامل:

- پیش‌نویس پیشین تهیه شده مرتبط با شایستگی‌های پایه
- پیش‌نویس راهنماهای برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری «علوم انسانی و مطالعات اجتماعی»، «آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده»، «سلامت و تربیت بدنی»، «حکمت و معارف» و «فرهنگ و هنر»

فرآیند تدوین

تدوین چارچوب شایستگی‌های پایه طی گام‌های زیر انجام شده است.

گام اول: بررسی و نهایی کردن عناوین کلی شایستگی‌های پایه (سطح اول)

در ابتدای این گام، ویژگی‌ها و اوصاف دانش‌آموز مطلوب از منظر اسناد بالادستی و بیانات مقام معظم رهبری، تحلیل، دسته‌بندی و مقوله‌بندی شد. همچنین، مضامین اسناد بالادستی، مطالبات حاکمیتی و برخی دیدگاه‌های صاحب‌نظران درباره‌ی اهداف عمومی دوره‌ی تربیت رسمی عمومی تحلیل و بررسی شدند.

سپس شایستگی‌های پایه در سایر کشورها مطالعه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که این کشورها برای تدوین سند شایستگی‌های خود از چارچوب‌های شناخته شده جهانی در این زمینه استفاده کرده‌اند. بنابراین، به منظور عمق بخشیدن به کار و پی بردن به دانش فنی چگونگی تدوین سند شایستگی‌ها، ده چارچوب شناخته شده جهانی در زمینه شایستگی‌های پایه، بررسی و تحلیل شدند. افزون بر آن، دو

^۳ - لازم به ذکر است که با نظر به برخی تفاوت‌ها در مقاصد و نظام‌های ارزشی میان کشور ما و دیگر کشورها در نظام شایستگی‌ها، ساختار بندی کلان چارچوب شایستگی‌ها و همچنین، معنادهی به آنها با نظر به رویکرد اسلامی و بومی مورد توجه و تأکید بوده است و استفاده از مطالعات تطبیقی و تجارب دیگر کشورها، عمدتاً منحصر به ابعاد فنی-تکنیکی و روشی کار بوده است.

مطالعه به صورت مرور نظام‌مند انجام شد. طی یکی از این مطالعات، ۲۲۹۷ پژوهش منتشر شده مرتبط با تربیت رسمی عمومی مورد تحلیل قرار گرفت تا مشخص شود دانش‌آموزان برای زندگی مطلوب در عصر پسا کرونا باید به چه شایستگی‌هایی مجهز باشند؟ در مطالعه‌ی دوم، با بیش از ۳۰ نهاد و سازمان مرتبط با تربیت و فرهنگ عمومی ارتباط برقرار شد و مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با نیازها و آسیب‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی جمع‌آوری شده و محتوای موجود آنها (پس از چند مرحله پالایش) کدگذاری، دسته‌بندی و مقوله‌بندی شد. همچنین، پیش‌نویس‌های مربوط به شایستگی‌های پایه که پیشتر در سازمان پژوهش تهیه شده بودند نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. به طور کلی، تلاش بر این بوده که انتخاب یک صفت، ویژگی، توانمندی یا مهارت در چارچوب شایستگی‌های پایه، با نظر به دو معیار «فراگیری» (به معنای فراحوزه‌ای بودن آن ویژگی و امکان نقش‌آفرینی حداکثری همه‌ی حوزه‌های تربیت و یادگیری در تحقق آن) و «اولویت‌دار بودن با نظر به نیاز فردی یا اجتماعی مخاطب» انجام پذیرد.

پس از این مراحل که باعث حصول اشباع مضمونی شد، مقوله‌بندی یکپارچه مضامین (بر اساس کدگذاری‌ها و دسته‌بندی‌های موجود در هر یک از آنها) به هدف دستیابی به عناوین کلانی که بتوان صفات، توانمندی‌ها، شناخت‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های احصا شده را در ذیل آنها سازماندهی کرد، در دستور کار قرار گرفت. در این مرحله، چند گزینه‌ی پیشنهادی برای عناوین شایستگی‌های پایه مطرح شد و با در نظر داشتن معیارهای «میزان شمولیت و فراگیری نسبت به صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های استخراج شده»، «اهمیت عمومی»، «وزن کمی و کیفی (میزان تکرار و تأکید) در منابع»، «تناسب با مبانی نظری» و «انسجام و هماهنگی درونی»، عناوین کنونی چهار شایستگی پایه («هویت اسلامی-ایرانی»، «تفکر و تعقل»، «ارتباط مسئولانه و مؤثر» و «خوب‌ساز» انتخاب شده و چارچوب کلی ابعاد/خرده‌شایستگی‌های ذیل آنها، مشخص شدند.

گام دوم: تعیین ابعاد / خرده‌شایستگی‌های هر شایستگی (سطح دوم)

در این مرحله، با استفاده از منابع تخصصی تربیتی متناسب با هر یک از شایستگی‌ها، مضامین دسته‌بندی شده و مقوله‌بندی شده‌ی به دست آمده از منابع در گام پیشین، مطالعات تطبیقی و همچنین، با بهره‌مندی از صاحب‌نظران و کارشناسان موضوعی، ابعاد هر شایستگی (خرده‌شایستگی‌ها) با استفاده از تحلیل نظری-مفهومی و کارکردی آن شایستگی مشخص شد. ابعاد شایستگی یا خرده‌شایستگی‌ها، شایستگی‌های فرعی‌ای هستند که کسب شایستگی اصلی (که در سطحی کلان‌تر قرار دارد) به واسطه کسب آنها محقق می‌شود.

گام سوم: بسط تفصیلی ابعاد هر شایستگی و نگارش توصیف‌گرها (سطح سوم)

در این مرحله، ابتدا به تجمیع حداکثری گزاره‌های تبیین کننده‌ی هر خرده‌شایستگی پرداخته شد و سپس در فرآیندی نظام‌مند و پیوسته که بیش از یک سال به طول انجامید، نشست‌های قانونی به صورت هفتگی با حضور صاحب‌نظران و متخصصین موضوعی و اعضای کارگروه شایستگی‌های پایه و عمومی برگزار شد. در این نشست‌ها، تک تک عبارات‌های توصیف‌گر با هدف تلفیق یا تعیین تکلیف موارد متداخل یا مشابه، حذف موارد جزئی و کم‌اهمیت، دقیق‌تر کردن واژه‌ها و اصطلاحات و شفاف کردن موارد مبهم، مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفتند.

در تصمیم‌گیری درباره‌ی گزاره‌های توصیف‌گر خرده شایستگی‌ها، تلاش بر آن بوده که هر خرده‌شایستگی با توجه به این اصول تدوین شود:

۱. به نیازهای یادگیرندگان و همچنین جامعه پاسخ دهد.
۲. با سطح رشدی یادگیرنده در پایه دوازدهم متناسب باشد.
۳. امکان تحقق آن در عموم یادگیرندگان فراهم باشد.
۴. قابلیت تبدیل شدن به یک فرصت یادگیری را داشته باشد، به گونه‌ای که در نهایت، یادگیرنده با درگیر شدن با آن، بتواند شواهدی قابل سنجش (کمی/کیفی) از یادگیری خود ارائه دهد.
۵. این امکان را داشته باشد که در دوره‌های مختلف تحصیلی، یک پیشرفت پلکانی را نشان دهد.
۶. از روشنی و شفافیت کافی برخوردار بوده و از ابهام به دور باشد.
۷. در سطح مفاهیم کلان حرکت شود و از به کار گرفتن مصادیق خودداری شود.
۸. با زندگی واقعی یادگیرنده و محیط بیرون از کلاس درس پیوند برقرار کند.

نکته قابل توجه آن‌که، مسیر طی شده در این فرایند خطی نبوده است و در مراحل مختلف، با رفت و برگشت‌های مکرر میان این گام‌ها و همچنین استفاده از منابع پیش‌گفته و داده‌های دست اول حاصل از بازخورد معلمان و دانش‌آموزان، خروجی‌های مراحل مختلف، مضامین و گزاره‌ها مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته‌اند.^۴

گام چهارم: اعتبارسنجی

^۴ - لازم به ذکر است که پس از گام سوم، سطح‌زنی دوره‌ای توصیف‌گرها متناسب با چهار دوره‌ی تحصیلی نیز انجام پذیرفت، به این صورت که هر یک از گزاره‌های توصیف‌گر تفصیلی شایستگی‌ها، بر اساس مجموعه‌ای از معیارها (شامل معیارهای مرتبط با رشد شخصی و اجتماعی دانش‌آموز، معیارهای مرتبط با تکامل و پیچیده‌تر شدن هر شایستگی و مضامین اساسی مستخرج از هویت هر یک از دوره‌های تحصیلی)، با استفاده از توان تخصصی کارشناسان موضوعی و معلمان و دبیران با تجربه، در چهار سطح بازنویسی شدند. البته سطح‌زنی دوره‌ای توصیف‌گرها در اینجا ارائه نشده و فقط سه سطح نخست (شامل: «شایستگی‌های چهارگانه»، «ابعاد شایستگی‌ها» (شامل ۱۸ خرده‌شایستگی) و «توصیف‌گرها» (شامل ۶۶ گزاره توصیف‌گر) ارائه شده‌اند.

در این گام، پیش‌نویس به دست آمده از گام‌های پیشین در دو مرحله توسط کارشناسان و خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله‌ی نخست، کارشناسان گروه‌های برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش در ضمن سه نشست کارگاهی، به نقد و بررسی چارچوب و ارائه پیشنهادهای اصلاحی و تکمیلی نسبت به آن در چارچوب معیارها و ضوابطی همچون: کفایت (ناظر بودن به نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموز)، ابتنا بر مبانی نظری، فراحوزه‌ای بودن، انسجام و سازواری درونی، شفافیت و وضوح مفهومی و قابلیت تحقق در برنامه درسی پرداختند. نتایج به دست آمده از این مرحله، در جلسات کارگروه شایستگی‌های پایه مورد بررسی قرار گرفته و به تناسب، اعمال شدند. در مرحله‌ی دوم اعتبارسنجی، متن چارچوب به همراه راهنمای آن، در اختیار دو جمع خبرگانی از اساتید دانشگاه و حوزه (صاحب‌نظر در زمینه‌ی تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش به صورت عام و قلمروهای علمی مرتبط با برخی از شایستگی‌ها و خرده‌شایستگی‌ها به صورت خاص) قرار گرفت و مجموعه‌ی نظرات و ملاحظات این اساتید و صاحب‌نظران نیز دریافت شد.

سپس، مجموعه ملاحظات و نظرات دریافت شده، در جلسات کارگروه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و ناظر به تک‌تک ملاحظات و نظرات ابراز شده، اصلاحات و اضافات لازم در پیش‌نویس اعمال شده یا توضیحات کارگروه درباره‌ی آنها مستندسازی شدند.

پس از اعتبارسنجی، این چارچوب طی دو جلسه در شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و با حضور اعضای حقیقی این شورا و همچنین، تعدادی از اعضای شورای معاونان وزارت، به بحث و بررسی گذاشته شده و به تصویب رسید.

نقش و جایگاه در نظام تربیت رسمی عمومی

به طور کلی، چارچوب شایستگی‌های پایه و عمومی حداقل به سه صورت در نظام تعلیم و تربیت نقش‌آفرینی می‌کند:

(۱) اثرگذاری در «طرحواره (نقشه‌ی راه) اجرایی‌سازی برنامه درسی ملی در سطح مدرسه»:

شایستگی‌های پایه به صورت مشخص، در این گام‌های طرحواره تأثیرگذار خواهند بود:

۱-الف) در پالایش و اصلاح راهنمای حوزه‌های تربیت و یادگیری: شایستگی‌های پایه حداقل از دو جهت در اصلاح راهنمای حوزه‌ها نقش‌آفرین خواهند بود:

* هر یک از حوزه‌های تربیت و یادگیری (به‌ویژه در ابعاد ارزشی و مهارتی-فرآیندی اهداف و محتوای خود) باید با شایستگی‌ها تنیده شده و حامل آنها باشند تا بتوانند سهم خود را در تحقق تربیت همه جانبه ادا کنند.

* شایستگی‌ها باید نقش مهمی در برقراری ارتباط عرضی میان حوزه‌های تربیت و یادگیری ایفا کنند. به عبارت دیگر، اتصال افقی میان حوزه‌های تربیت و یادگیری مختلف (با اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی که با همدیگر دارند) در بستر شایستگی‌های پایه روی می‌دهد. از این جهت، شایستگی‌های پایه یکی از مهمترین جهات ایجاد وحدت و انسجام و یکپارچگی میان حوزه‌های تربیت و یادگیری و موضوعات و عناوین متنوع ذیل آنها هستند و این تکرار را به وحدت و یگانگی نزدیک‌تر می‌کنند.^۵

۱-ب) در بازطراحی جدول عناوین دروس و توزیع زمان آموزش: راهنمای حوزه‌های تربیت و یادگیری تنها منبع طراحی جدول عناوین دروس و میزان زمان اختصاص یافته به هر عنوان نیستند، بلکه شایستگی‌های پایه نیز در کنار حوزه‌های تربیت و یادگیری، در این فرآیند مورد توجه خواهند بود. بر این پایه، شایستگی‌های پایه و عمومی بخش مهمی از هدف و محتوای نظام تربیت رسمی را تشکیل می‌دهند و حتی چه بسا بتوانند در قالب عناوین درسی مستقل در برنامه درسی دوره‌ها و پایه جلوه‌گر شوند.

۱-ج) در تدوین راهنمای تفصیلی عناوین دروس: بر اساس طرحواره، برای هر یک از عناوین دروس، راهنمای تفصیلی (شامل محورهایی همچون هدف از عنوان و جایگاه آن در جغرافیای درسی پایه‌ی تحصیلی، سازمان محتوا، راهبردهای تدریس، ارزشیابی و ...) نیز نگاشته خواهد شد و چارچوب شایستگی‌ها به تدوین دقیق‌تر این راهنمای تفصیلی نیز کمک می‌کند.

۱-د) در تدوین استانداردهای بسته‌های تربیت و یادگیری: بخش قابل توجهی از شایستگی‌های پایه، ملاحظات مهمی ناظر به چگونگی و ویژگی‌های مواد و منابع آموزشی مطلوب دارند که در استانداردهای این بسته‌ها باید مدنظر قرار گیرند.

۱-ه) در تدوین راهنمای عمل برنامه درسی ملی در سطح مدرسه؛

۱-و) در تهیه استانداردهای عملکرد دوره‌ها و پایه‌های مختلف تحصیلی.

^۵ - این وجه از نسبت میان شایستگی‌ها و حوزه‌های تربیت و یادگیری، می‌تواند به مثابه‌ی زمینه‌ای برای شکل‌گیری نوعی از تلفیق در برنامه‌ی درسی به شمار آید. البته اهداف و محتوای همه‌ی حوزه‌های تربیت و یادگیری از جهت نسبی که با شایستگی‌های مشترک (خصوصاً در نسبت طولی) برقرار می‌کنند، یکسان نیست.

۲) ارائه‌ی عمومی شایستگی‌ها به دیگر بخش‌های وزارت آموزش و پرورش یا نهادها و سازمان‌های فرهنگی و تربیتی دارای اشتراک و تشابه در مأموریت و اهداف، به منظور جهت‌دهی و همسوسازی آنها با اهداف عمومی برنامه‌ی درسی یا جلب مشارکت آنها در تولید محتوا برای فعالیتهای تربیتی متنوع در چارچوب این چارچوب؛

۳) نقش‌آفرینی در تعیین شایستگی‌های معلم مطلوب نظام تربیت رسمی عمومی.

ملاحظات ضروری

۱) چارچوب شایستگی‌های پایه در ساختار ظاهری خود، ناظر به نیازهای عینی، واقعی و ملموس فردی و اجتماعی دانش‌آموزان ایران اسلامی است. هرچند مفاهیم، مضامین و گزاره‌های استفاده شده در این چارچوب، مبتنی بر مبانی انسان‌شناختی «مبانی نظری سند تحول بنیادین» و تحلیل‌های انسان‌شناختی اسلامی تحلیل و تبیین می‌شوند، ولی طبقه‌بندی این شایستگی‌ها بر اساس تقسیم‌بندی‌های نظری و فلسفی در انسان‌شناسی اسلامی (همانند تقسیم به «تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق»، یا «بدن، نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس ناطقه» و یا «رابطه با خود، خدا، خلق و خلقت») ارائه نشده است، زیرا در شایستگی‌های پایه این نکته مهم است که ناظر به «نیازهای عصری» مخاطب بوده و به گونه‌ای صورت‌بندی شوند که چنین حسی را در مخاطب برانگیزند. البته بی‌تردید، منطق پاسخگویی به این نیازهای عصری، مبتنی بر فهمی الهی از انسان و حیات او (متناسب با اسناد بالادستی و تحلیل‌های انسان‌شناختی اسلامی) است.

۲) در نگارش و تدوین شایستگی‌ها، در برخی موارد می‌توان یک مضمون یا مهارت را به صورت‌هایی متفاوت ذیل چند محور یا شایستگی مختلف، سازماندهی کرد. لذا، در چنین ساختارهایی، معمولاً ریزبینی‌های منطقی و مناقشه‌های مرتبط با اینکه یک مهارت یا توانمندی را در ذیل کدام شایستگی باید جانمایی کرد، تمامی ندارد و به همین خاطر، درباره چگونگی طبقه‌بندی و دسته‌بندی برخی خرده‌شایستگی‌ها و توصیف‌گرها، چاره‌ای جز تصمیم‌گیری مبتنی بر یک تبیین معقول نیست (هرچند بتوان تبیین‌های دیگری نیز برای جایابی متفاوت یک مضمون یا خرده‌شایستگی به دست داد). به عنوان نمونه، خرده‌شایستگی «خودآگاهی و خودباوری» یا برخی توصیف‌گرهای ذیل آن، می‌توانند در بخش‌های دیگری از چارچوب نیز جانمایی شوند، ولی به جهت تناسب بیشتر و بر پایه تعاریفی که از هر یک از شایستگی‌ها و خرده‌شایستگی‌ها ارائه شده، در ذیل «خویش‌تن‌سازی» درج شده است. اختلاف و تنوع قابل توجه نظام‌های شایستگی در مطالعات تطبیقی نیز گواه این مسئله است که در دسته‌بندی شایستگی‌ها، ابعاد و خرده‌شایستگی‌ها و ارتباط آنها با یکدیگر، گاهی می‌توان یک شایستگی را به شیوه‌های مختلفی طبقه‌بندی

کرد و لذا در این زمینه، نباید وسواس به خرج داد. در این موارد آنچه مهم است، اهتمام و مراقبت نسبت به تأمین نگرش‌ها، توانمندی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز در کلیت چارچوب (به ویژه در سطح خرده‌شایستگی‌ها، توصیف‌گرها و یا سطح‌زنی‌های تفصیلی ذیل آنها) است تا چیزی نادیده گرفته نشده باشد که این ملاحظه در این چارچوب رعایت شده است.

۳) توانمندی‌ها و مهارت‌های پیش‌بینی شده در «چارچوب شایستگی‌های پایه و عمومی»، پوشش دهنده «شایستگی‌های پایه یادگیری» نیز هستند. مقصود از شایستگی‌های پایه یادگیری، مجموعه توانمندی‌هایی هستند که متربی را قادر به یادگیری مادام‌العمر می‌کنند و شامل طیف متنوعی از مهارت‌های زبانی، مهارت‌های تفکر، مهارت‌های فرآیندی^۶ (همانند مشاهده، طبقه‌بندی، استنتاج، پرسشگری، جمع‌آوری اطلاعات، تفسیر یافته‌ها، برقراری ارتباط و ارائه مؤثر، طراحی تحقیق، اندازه‌گیری و ...)، مهارت‌های خودیادگیری و نگرش‌های مورد نیاز برای یادگیری (همانند شوق به یادگیری) است. این توانمندی‌ها و نگرش‌ها که اهمیت زیادی در آموزش عمومی دارند، در جای جای این چارچوب (به ویژه در شایستگی «تفکر» و خرده شایستگی‌های «برقراری و حفظ ارتباط» و «خودیادگیری») مورد نظر بوده و تأمین شده اند و تفصیل و جزئیات آنها نیز در سطح‌زنی تفصیلی توصیف‌گرها دیده شده است، لکن به دلیل تنوع و گستردگی آنها در تمام چهار شایستگی، به عنوان شایستگی مستقل در عرض دیگر شایستگی‌ها درج نشده‌اند.

۴) فضای مجازی، یک دنیای جدید و واقعی (با ابعاد، اقتضات و مسائل فیزیکی-جسمانی و فرافیزیکی-ذهنی-روحي) است که بُعد یا لایه‌ی دیگری به زندگی جاری کودک و نوجوان امروز و بزرگسال آینده اضافه کرده است. از این رو، شایستگی‌های پایه‌ی زندگی باید به صورت ویژه به زیست مجازی دانش‌آموزان و مواجهه‌ی ایشان با مسائل آن نیز توجه داشته باشند. زیست شایسته در فضای مجازی، یک شایستگی در عرض دیگر شایستگی‌های پایه نیست، بلکه در کسب هر یک از شایستگی‌های پایه، باید به نسبت و نقش آن شایستگی با زیست مجازی دانش‌آموز، توجه داشت. به همین خاطر، پرداختن به هر کدام از خرده شایستگی‌ها باید با در نظر داشتن زیست مجازی دانش‌آموز به عنوان یک بعد یا لایه از زندگی او صورت پذیرد. «در نظر داشتن زیست مجازی دانش‌آموز» به تناسب هر یک از خرده شایستگی‌ها و یا ابعاد آنها می‌تواند متفاوت باشد، به این معنا که در برخی موارد، در نظر داشتن زیست مجازی دانش‌آموز به معنای

^۶ - تعبیر «مهارت‌های فرآیندی» (Process Skills یا Science Process Skills (SPS) اصطلاحی است که بیشتر در حوزه آموزش علوم تجربی رایج است (به عنوان نمونه، رک.: Gidele Gito Gizaw & Solomon Sorsa Sota (۲۰۲۳): Improving Science Process Skills of Students: A Review of Literature, Science Education International, ۳۴(۳), pp. ۲۱۶-۲۲۴) و شامل مهارت‌هایی می‌شود که گاهی در تقسیم‌بندی‌های دیگر، در ضمن مهارت‌های تفکر یا مهارت‌های ارتباط مؤثر و مانند آنها، دسته‌بندی می‌شوند.

ضرورت پیش‌بینی فعالیت‌ها و رفتارهای متناسب با آن شایستگی در بستر فضای مجازی است؛ در برخی موارد، این مسئله به معنای ضرورت در نظر داشتن آسیب‌ها و تهدیدهای مجازی متوجه آن شایستگی است؛ در برخی موارد، ضرورت استفاده از فرصت‌ها و امکانات فضای مجازی برای کسب آن شایستگی مورد نظر است و در بعضی نمونه‌ها، موقعیت‌های مجازی می‌توانند به عنوان بستری برای پرداختن به آن شایستگی در نظر گرفته شوند. در هر صورت، نکته‌ی اساسی این است که در پرداختن به این دسته از ویژگی‌ها / ابعاد شایستگی، ضروری است موقعیت دانش‌آموز را به مثابه‌ی «انسان عصر فضای مجازی» فهم و تحلیل کرد.

۵) بخش قابل توجهی از شایستگی‌ها، ابعاد و خرده‌شایستگی‌ها به گونه‌ای هستند که برای تحقق یا کسب آنها، باید از دیگر شایستگی‌ها نیز بهرمنند بود. به عنوان نمونه، شایستگی «تفکر و تعقل» و خرده‌شایستگی‌های ذیل آن به گونه‌ای است که در تحقق کامل شایستگی‌های «هویت اسلامی-ایرانی»، «خویش‌سازی» و «ارتباط مسئولانه و مؤثر» نقش‌آفرینی جدی دارد. بر این اساس، صورت‌های مختلفی از روابط چندسویه میان ابعاد و خرده‌شایستگی‌ها آنها شکل می‌گیرد که در برنامه‌ریزی و طراحی برای کسب آنها، باید به این روابط نیز توجه نمود.

۶) چارچوب شایستگی‌های پایه همانند هر تلاش بشری، همیشه امکان ارتقا و تکمیل دارد. آنچه در حال حاضر مهم است، این است که بتوانیم ویرایشی با درجه اطمینان قابل قبول را عرضه کنیم و در ادامه مسیر، به اصلاح و بهبود آن پردازیم. تجارب دیگر کشورها نیز نشان می‌دهد که آنها نیز به تدریج و با نگارش ویرایش‌های مختلف، به بازخوردگیری و اصلاح تدریجی کار خود پرداخته‌اند.

نمایی کلی از شایستگی‌ها و خرده‌شایستگی‌ها



شایستگی ها، خرده شایستگی ها و توصیف گرها

توصیف گرها	ابعاد / خرده شایستگی ها	شایستگی
<p>- کشف هدف و معنای زندگی خود بر پایه نظام معنایی دین (و درک حضور خدا در همه عرصه های زندگی)</p> <p>- برخورداری از احساسات دینی^۲</p> <p>- التزام به معنای دینی زندگی در رفتار و تصمیم گیری های خود^۳</p> <p>- الگو قرار دادن اولیای دین^۴ و موضع گیری در برابر باطل و اولیای آن</p>	<p>هویت دینی-معنوی^۴</p>	<p>هویت اسلامی - ایرانی^۱ ۱۵</p>
<p>- حفظ و پاسداشت زبان و فرهنگ فارسی</p> <p>- حفظ و پاسداشت نمادها، شخصیت ها و میراث ملموس و ناملموس ملی</p> <p>- احترام و قدرشناسی آگاهانه و سازنده^۵ نسبت به تنوع اقوام ایرانی و مؤلفه های هویت محلی و قومی خود</p> <p>- افتخار آگاهانه به ایرانی بودن خود و دستاوردهای^۶ تاریخ و تمدن ایرانی-اسلامی و انقلاب اسلامی^۷</p> <p>- علاقه مندی و امیدواری واقع بینانه نسبت به پیشرفت کشور و آینده آن</p> <p>- تعهد به استقلال همه جانبه کشور (استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و امنیتی)</p> <p>- ارج نهادن به وحدت و انسجام اجتماعی و مقدم دانستن منافع ملی بر منافع شخصی و گروهی</p> <p>- تشخیص خیرخواهان و بدخواهان ملت و داشتن روحیه ایستادگی و کنشگری آگاهانه در برابر تهدیدها علیه ایران اسلامی</p> <p>- احساس تعلق به امت اسلامی به مثابه جامعه فراگیر ایمانی^۸</p>	<p>هویت محلی-ملّی - انقلابی^۹</p>	
<p>- پذیرش^۹ نقش های خود در خانواده^{۱۰} و تعهد نسبت به حریم آن</p> <p>- پذیرش^{۱۱} تفاوت های جنسی و جنسیتی زن و مرد بر اساس نظام معیار اسلامی و اقدام بر اساس آن ها</p>	<p>هویت خانوادگی جنسیتی^۲</p>	

<p>- شوق به کندوکاو و اکتشاف</p> <p>- پرسشگری^{۱۳}</p> <p>- تجربه ورزی</p>	<p>حقیقت‌جویی، جستجوگری و اکتشاف ۳</p>	<p>تفکر و تعقل^{۱۲}</p>
<p>- توجه مستمر و همه‌جانبه</p> <p>- کشف و درک لایه‌های معنایی و باطنی امور</p> <p>- نگرش نظام مند و کل‌نگر</p>	<p>تمرکز و بینش^{۱۴}</p>	
<p>- توضیح اطلاعات و ایده‌ها</p> <p>- شناسایی، سازمان‌دهی و پردازش</p> <p>- بازبینی و اصلاح فرآیند تفکر خود</p> <p>- ارزیابی (پردازش استدلال)^{۱۵} و ارزش‌گذاری (قضاوت)^{۱۶} معیار مدار</p>	<p>تحلیل، استدلال و سنجشگری (نقادی) ۴</p>	
<p>- برقراری پیوند معنادار میان امور و ایده‌های مختلف، بسط ایده‌ها و خلق معانی و ایده‌های جدید</p> <p>- توجه به جایگزین‌ها و منظرهای متفاوت، پیشنهاد پاسخ‌ها و راه‌حل‌های ابتکاری و عملی کردن آن‌ها</p>	<p>خلاقیت و نوآوری ۲</p>	
<p>- دریافت^{۱۹} و تحلیل انواع پیام کلامی (مکتوب و غیرمکتوب) و غیرکلامی به‌منظور درک معنا و ارائه بازخورد متناسب^{۲۰}</p> <p>- سازمان‌دهی و ابراز خواسته‌ها،^{۲۱} احساسات و ایده‌های خود به‌صورت واضح، قانع‌کننده، محترمانه و متناسب با موقعیت</p>	<p>برقراری و حفظ ارتباط^{۱۸} ۲</p>	<p>ارتباط مسئولانه و مؤثر^{۱۷} ۲۱</p>
<p>- مهرورزی، خیرخواهی و ازخودگذشتگی</p> <p>- صداقت در ارتباط با دیگران</p> <p>- رعایت حیا و عفاف در تمام عرصه‌های زندگی و انواع ارتباط با دیگران</p> <p>- قاطعیت و جرئت ورزی در پذیرش خواسته‌های به‌جا و رد خواسته‌های نا به‌جای دیگران</p>	<p>اخلاق و آداب ارتباطی ۴</p>	
<p>- ترجیح خیر جمعی بر منفعت فردی</p> <p>- برنامه‌ریزی و راهبری کار گروهی</p> <p>- مشارکت مؤثر در پیشبرد/تحقق اهداف گروه^{۲۲}</p>	<p>تعاون و کار گروهی ۴</p>	

<p>- آموختن از دیگران و با دیگران</p>		<p>تعهد و مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی ۵</p>
<p>- حساسیت نسبت به مسائل جامعه و تحولات پیرامون خود و تعهد نسبت به مصالح جامعه</p> <p>- عدالت خواهی و ظلم ستیزی</p> <p>- قانون مداری در پرتو آگاهی از حقوق و تکالیف خود</p> <p>- دعوت به انجام خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها (امر به معروف و نهی از منکر)</p> <p>- تکریم^{۲۳} محیط زیست و بهره‌برداری مسئولانه از آن</p>	<p>حل تعارض و اختلاف ۲</p>	
<p>- همزیستی، مدارا^{۲۴} و همدلی^{۲۵} با دیگران در عین تعهد به نظام ارزشی خود</p> <p>- تحلیل ابعاد و ریشه‌های تعارض و تلاش برای پیشگیری یا حل آن</p>	<p>سواد ارتباطی- رسانه‌ای ۴</p>	
<p>- آگاهی از شیوه‌های تأثیرگذاری انواع رسانه و مواجهه سازنده با آن</p> <p>- حفظ و ارتقای حقوق و امنیت خود و دیگران در زیست مجازی</p> <p>- استفاده صحیح از فناوری‌های ارتباطی و محصولات رسانه‌ای</p> <p>- تولید و به اشتراک‌گذاری صحیح و مسئولانه محتوا</p>		
<p>- آگاهی از افکار، احساسات،^{۲۷} انگیزه‌ها و رفتارهای خود</p> <p>- اطمینان به توانایی‌های ذاتی و اکتسابی خویش با درک قوت‌ها، ضعف‌ها و ظرفیت‌ها (استعدادهای) خود و ابراز عملی توانایی‌ها و قوت‌های خود</p> <p>- احترام و ارزش قائل شدن برای خود (عزت نفس / کرامت نفس) و تعالی خواهی</p>	<p>خودآگاهی و خودباوری ۳</p>	<p>خویش‌سازي^{۲۶}</p> <p>۱۸</p>
<p>- تعیین و اولویت‌بندی اهداف بر اساس معنای زندگی خود</p> <p>- مشورت و بررسی گزینه‌های پیش رو و پیامدهای انتخاب خود</p> <p>- طراحی برنامه^{۲۸}، اجرا و پایش مستمر آن</p> <p>- پایبندی به نظم و انضباط و مدیریت زمان</p>	<p>برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری ۴</p>	
<p>- به‌کارگیری راهبردهایی برای بهبود یادگیری خود</p>	<p>خود یادگیری ۳</p>	

- برنامه‌ریزی برای یادگیری‌های خود آغازگر ^{۲۹} - شوق مطالعه		
- تأمین متعادل نیازهای زیستی-بدنی خود (تحرک/ تغذیه/ خواب / بهداشت) - به‌کارگیری راهبردهای تقویت و حفظ اراده، ^{۳۰} استقامت و تاب‌آوری - تدبیر اوقات فراغت با انجام تفریحات سالم و سرگرمی‌های سازنده - پرهیز از رفتارها و عادت‌های پرخطر و آسیب‌زا - مدیریت احساسات و تعدیل امیال و غرایز طبیعی خود ^{۳۱}	خویشتن‌بانی و خویشتن‌داری ۵	
- مدیریت درآمد و هزینه ^{۳۲} - رعایت اخلاق، آداب و احکام معیشت (با تأکید بر فرهنگ کار و تلاش) ^{۳۳} - آمادگی برای کار مولد و خلق ارزش واقعی (با در نظر گرفتن کمک به پیشرفت اقتصاد ملی و گسترش فرهنگ یاریگری) ^{۳۴}	تدبیر معیشت ۳	

۱- بر اساس مبانی نظری سند تحول بنیادین، هویت هر فرد عبارت است از واقعیت مشخص و پویایی که برآیند تعامل اختیاری او با مجموعه‌ای از عوامل و موانع بوده و در قالب ترکیبی از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها، تصمیم‌ها و اعمال مداوم فردی و جمعی و آثار آنها، به تدریج در درونش شکل می‌گیرد (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ص ۱۳۱-۱۳۲)، اما مقصود از هویت اسلامی-ایرانی در اینجا، معنایی متفاوت از هویت در ادبیات مبانی نظری سند تحول بنیادین است. هویت اسلامی-ایرانی در اینجا به معنای درکی است که یک مسلمان ایرانی از کیستی خود و ویژگی‌ها، بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها و نقش‌های اجتماعی-جمعی و فردی خویش داشته و به واسطه‌ی این خودآگاهی، از یک سو دارای تعلقات عمیق و همه‌جانبه با جامعه ایران اسلامی است و از سوی دیگر، خود را از دیگرانی که واجد این ویژگی‌ها نیستند، متمایز می‌کند. این معنا از هویت، به اصطلاح تخصصی هویت در ادبیات مطالعات اجتماعی نزدیک‌تر است (به عنوان نمونه، رک.: ریچارد جنکینز: «هویت اجتماعی»). به نظر می‌رسد واژه «هویت» در این متن و در اسناد تحولی، مشترک لفظی برای دو معنای متفاوت هستند. هویت در مبانی نظری، غایت و نتیجه نهایی فرآیند تربیت (در کلیت آن) است، حال آنکه هویت به عنوان یک شایستگی، در معنایی محدود، به معنای آگاهی نسبت به خود (با تأکید بر خود اجتماعی-جمعی) و حس تعلق و وابستگی نسبت به مجموعه‌ای از بینش‌ها و باورها و نقش‌هاست. در این معنا، سه مؤلفه‌ی «خودآگاهی»، «احساس تعلق» و «مرزگذاری با دیگری» بیشتر مورد توجه بوده است. به طور کلی، واژه «هویت» در مبانی نظری سند تحول بنیادین، با فاصله‌گیری از معنای رایج اصطلاح تخصصی «هویت»، در معنایی عام و گسترده و هم‌معنا با «شخصیت» یا «شاکله» به کار رفته است (جهت مشاهده ملاحظات بیشتر درباره کاربرد واژه «هویت» در اسناد تحولی، رک.: مصطفی مرادی و خسرو باقری: «تحلیل و نقد مفهوم هویت در اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»).

۲- احساس دینی به معنای ارتباط درونی و بدون واسطه انسان با خداوند است که نتیجه آن در قالب طیفی از احساسات نظیر احساس اطمینان، توکل، شکرگزاری، خوف، خشیت، تعظیم، شوق، عشق، احساس تعلق و وابستگی عمیق و ناچیز دیدن خود، ظاهر می‌شود. اگر دین‌داری را به منزله حقیقت واحد ذمراست در نظر بگیریم، احساس دینی مرتبه‌ای است که تمایل و گرایشی (نیمه‌آگاهانه یا آگاهانه) نسبت به آنچه مورد شناسایی واقع شده، پدیدار می‌شود و واسطه تحقق عمل

دینی می‌شود. تأثیر روانی احساس دینی این است که نیروی شگفت‌آوری را در روحیه صاحب تجربه ایجاد می‌کند و این نیرو برای مدت زیادی بر صاحبان تجربه تأثیر می‌گذارد و مانند محافظ اعمال را کنترل می‌کند، تأثیر شناختی آن این است که به دیدگاهی قابل اعتماد درباره عقیده دینی دست می‌یابد و افزون بر این، آن را تأییدی برای دین خود می‌داند و به همین علت برخی فهم واقعیات دینی را از طریق احساسات و تجربه دینی قانع‌کننده‌تر از فهم طریق عقلی می‌دانند (نوذری، تربیت دینی در دوره ابتدایی و متوسطه، ۱۴۰۱، ص ۱۸۳).

۳ - ناظر به پیوند هماهنگ میان شناخت، احساس و اراده/عمل فرد است. رفتار و تصمیم‌گیری‌ها شامل شعائر، مناسک و آداب دینی اصیل جامعه نیز می‌شود.

۴ - مقصود از اولیای دین، پیامبران و جانشینان معصوم ایشان است.

۵ - منظور از احترام/قدرشناسی آگاهانه و سازنده آن است که آداب و رسوم اقوام، با در نظر گرفتن معیارهایی ارزشیابی می‌شوند و هر آداب و رسومی لزوماً ارزشمند نیست.

۶- دستاوردها، شامل دستاوردهای علمی، فناورانه، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... می‌گردد.

۷ - این توصیف‌گر، متضمن پرداختن به «آگاهی کلان نسبت به وضعیت و جایگاه واقعی ایران در مناسبات منطقه‌ای، جهان اسلام و بین‌المللی» در سطح‌زنی‌ها نیز می‌شود.

۸ - پیروان ادیان به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی، در این توصیف‌گر تابع ارزش‌های اختصاصی خود بوده و مضمون این گزاره برای آنها به «احساس تعلق به جامعه ایمانی» تغییر می‌یابد.

۹ - درک هم در ضمن پذیرش تأمین شود.

۱۰- نقش شامل نقش‌های حال و آینده و همچنین، دربردارنده تمام نقشهای اعضای خانواده در معنای هسته‌ای و گسترده آن می‌شود.

۱۱ - درک هم در ضمن پذیرش تأمین شود.

۱۲- مقصود از تفکر، توانایی تشخیص و درک حقایق، تحلیل، سنجش، ارزیابی و استنباط یافته‌ها و همچنین خلق معانی و ایده‌های جدید است. در ادبیات برنامه درسی ملی، هنگامی که این توانایی (خصوصاً در بخش‌های تشخیص، درک، سنجش و ارزیابی) با اتکا بر یافته‌های معتبر عقل و بر اساس نظام معیار به کار گرفته شود، تعقل نامیده می‌شود. از این رو، می‌توان گفت تعقل مرتبه کمال‌یافته تفکر و تکمیل‌کننده آن است. شایستگی «تفکر و تعقل» و خرده‌شایستگی‌ها و توصیف‌گرهای ذیل آن، بخش عمده شایستگی‌های پایه یادگیری (به‌ویژه مهم‌ترین مهارت‌های فرآیندی) را نیز پوشش می‌دهد.

۱۳ - پرسشگری به معنای پرسیدن سؤالهای متناسب به هدف کشف و درک بهتر و بیشتر است و تناسب، شامل به جا بودن (پرسیدن در زمان و موقعیت/مکان مناسب و به‌جا)، تناسب معنا و مضمون سوال با موضوع و مسئله محل بحث/گفتگو و جرأت سؤال پرسیدن بدون خجالت و ترس است.

۱۴ - تمرکز در تعریفی ساده، به معنای توانایی توجه کردن ثابت و مستمر به یک موضوع یا فعالیت یا مسئله است که زمینه‌ساز سهولت، سرعت و دقت عملکرد فکری و عملی فرد می‌شود. بینش یا بصیرت نیز به معنای نوعی نگرش و شناخت عمیق نسبت به امور و مسائل است که فرد را از سطح ظاهری گذر داده و او را قادر می‌سازد که به ابعاد پنهان و باطنی مسئله دست یابد و در نتیجه آن، بتواند درست و خطا را از یکدیگر تمییز دهد. با توجه به وابستگی این دو ویژگی به یکدیگر و نقش هر یک در ارتقای دیگری، این دو وصف در کنار یکدیگر آمده‌اند.

۱۵ - ارزیابی شامل بررسی کفایت اطلاعات (کافی بودن اطلاعات، دلایل و شواهد مورد نیاز برای اثبات یک نتیجه/ ادعا) و تناسب اطلاعات (مرتبط بودن آنها با نتیجه / ادعا)، انسجام منطقی دیدگاه‌ها / ادعاها (خالی بودن از تناقض درونی و برخورداری از نظام‌مندی) و سبک و سنگین کردن دلایل و شواهد می‌شود.

۱۶ - ارزش‌گذاری (قضاوت) شامل داوری درباره ارزش و اهمیت شنیده‌ها، خوانده‌ها، رخدادها و فعالیت‌ها بر پایه معیارهای مفروض و ارائه شده یا معیارهای تعیین شده توسط خود فرد می‌شود.

- ۱۷ - مقصود از ارتباط مسئولانه و مؤثر، توانایی برقراری و حفظ ارتباط با رعایت منش‌ها، آداب و روحیات تقویت‌کننده اخلاق اجتماعی و جمع‌گرایی و همچنین، توانمندی‌های لازم برای زیست رسانه‌ای شایسته است.
- ۱۸ - این خرده‌شایستگی، توانمندی‌ها و مهارت‌های پایه زبانی به عنوان بخش مهمی از مهارت‌های پایه یادگیری را پوشش می‌دهد و با توجه به اهمیت این دسته توانمندی‌ها در دوره آموزش عمومی، جزئیات توصیف‌گرهای آن در سطح‌زنی‌های دوره‌ای و پایه‌ای به تفصیل و متناسب با هر یک از حوزه‌های تربیت و یادگیری تأمین می‌شود.
- ۱۹ - «گوش دادن فعال و مؤثر» نیز در ضمن دریافت، لحاظ می‌شود.
- ۲۰ - مهارت‌های پایه زبانی، نقش محوری را در تحقق این توصیف‌گر دارند و از این جهت، ضروری است در تمامی حوزه‌های تربیت و یادگیری به این نقش توجه ویژه شود.
- ۲۱ - خواسته‌ها شامل نیازهای واقعی و غیر آنها می‌شود.
- ۲۲ - در ذیل این توصیف‌گر، «شناخت نقش خود و دیگران در گروه» و دیگر توانمندی‌های مرتبط نیز لحاظ می‌شود.
- ۲۳ - شامل لذت بردن از محیط زیست، دوست داشتن آن، ارزش گذاشتن به آن و مراقبت کردن از آن می‌شود.
- ۲۴ - مدارا شامل رفق، شکیبایی، رواداری، تحمل دیگری، تحمل عقاید و نظرات مخالف، عدم حس انتقام‌گیری اجتماعی، بزرگ‌منشی (سماحت)، پرهیز از بددلی، گشوده بودن و بخشش / گذشت (شامل گذشت در برابر کوتاهی‌های غیر عمدی و خطاهای عمدی دیگری) می‌شود.
- ۲۵ - همدلی شامل درک احساسات دیگری و قرار دادن خود به جای او می‌شود.
- ۲۶ - «خویش‌ساز» به مثابه بدیلی بومی برای شایستگی «مدیریت خود» در ادبیات مدرن به کار رفته و شامل مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و توانایی‌ها از جمله آگاهی نسبت به کرامت و عزت نفس خود، آگاهی از افکار، احساسات، عواطف، نیازها و امیال خود و مدیریت و تعدیل شایسته آنها، توانایی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای خود و همچنین، مهارت‌ها و منش‌های مرتبط با تولید و کسب درآمد حلال می‌شود. همان‌گونه که مشخص است، این شایستگی علاوه بر آن که سطوح بنیادین «خودسازی» (بر اساس تبیین مبانی نظری سند تحول بنیادین) را در بر می‌گیرد، ابعاد فراتری نیز دارد. در مبانی نظری سند تحول بنیادین، خودسازی بر اساس نظام معیار، از طریق «حفظ کرامت و عزت نفس، خویش‌تن‌داری و مهار غرائز طبیعی، تعدیل عواطف و تمایلات، رعایت آداب و کسب صفات و فضائل اخلاقی و پیشگیری از تکوین صفات و ردائل غیراخلاقی و درمان آنها» امکان‌پذیر دانسته شده است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ص ۹۵ و ۱۵۴).
- ۲۷ - احساسات معادل هیجانات بوده و شامل عواطف نیز می‌شود.
- ۲۸ - شامل تعیین مراحل و برنامه زمانی نیز می‌شود.
- ۲۹ - شامل توجه به نیازهای یادگیری خود نیز می‌شود.
- ۳۰ - تقویت و حفظ اراده در معنایی کلی، هم شامل تقویت اراده برای مقابله با تمایلات نادرست است و هم ناظر به تبدیلی و مانند آن می‌شود.
- ۳۱ - این توصیف‌گر در چارچوب خویش‌تن‌داری، تقوا و کف نفس معنا شده و مهارت‌های کنترل هیجانات از جمله کنترل خشم نیز در ذیل آن مندرج است.
- ۳۲ - در سطح‌زنی این توصیف‌گر، به مدیریت پس‌انداز، خرید، بدهی و اعتبار، درجه‌بندی نیازهای معیشتی (از اساسی تا کاذب)، مدیریت دخل و خرج خانواده بر اساس نیازهای واقعی و پرهیز از اسراف و تبذیر و پرهیز از روحیات و فعالیت‌های سفته‌بازانه و دلال‌مآبانه برای کسب درآمد توجه می‌شود.

۳۳ - «رعایت» در این توصیف‌گر، شامل آشنایی با این اخلاق، آداب و احکام و تلاش در جهت درونی‌سازی و التزام به آنها می‌گردد. در سطح‌زنی این توصیف‌گر، این مضامین پوشش داده خواهد شد: توجه به مقدس/ ارزشمند بودن کار و رازقیّت خداوند، آراستگی به روحیه تلاشگری، شکرگزاری، قناعت و پرهیز از اسراف و حرص و طمع، رعایت آداب و مستحبات فردی و جمعی معیشت همانند صدقه، انصاف و مردم‌داری، رعایت احکام در مصرف و در کسب و کار و ادای حقوق الهی (خمس، زکات و ...) و حقوق مردم (ادای دین، امانت‌داری، پرهیز از فریب و ...).

۳۴ - در سطح‌زنی این توصیف‌گر، به این جنبه‌ها پرداخته می‌شود: علاقه و توانمندی در حداقل یک شغل تولیدی یا خدماتی دارای ارزش واقعی اقتصادی-اجتماعی، دلبستگی به کار به مثابه مسیری برای رشد شخصیت و تکامل روح، شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های تولید و سرمایه‌گذاری بومی و منطقه‌ای، علاقه به تولید نوآورانه و مستقل برای خودکفایی اقتصاد کشور، توجه به تولید جمعی در بسترهای حقوقی-نهادی بومی (همانند، تعاونی، وقف و خیریه) و اولویت‌دهی به تولید در بسترهای یاریگرانه (خودیاری، همیاری و دیگریاری) در برابر بسترهای مبتنی بر رقابت و فردگرایی (همانند بانک و بورس).